



میزگرد کارشناسان ارزیاب حوزه سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی
با مؤلفان کتاب‌های گروه حسابداری - معماری و نقشه‌کشی

همه چیز را از ناشر نخواهید!

در خلق اثر خوب، نقش مؤلف از ناشر برجسته‌تر است

محمد دشتی

اشاره

در هفتمین روز از برگزاری بیست و هفتمین «نمایشگاه بین‌المللی کتاب تهران»، یعنی روز ۱۶ اردیبهشت ماه ۱۳۹۳، دبیرخانه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی، میزبان گروه‌های درسی، کشاورزی، مدیریت خانواده و حسابداری بود. در گروه حسابداری - معماری و نقشه‌کشی، آقای **حمید میردشتی**، مدیر «نشر میردشتی»، آقای **محمد حسین معتمدراد** کارشناس معاونت سامان‌دهی و خانم‌ها دکتر **بتول عطاران**، و **مریم عبادی** از کارشناسان ارزیاب حوزه سامان‌دهی منابع آموزشی و تربیتی در رشته عمران، نقشه‌کشی و معماری، حضور داشتند. آنچه می‌خوانید متن صحبت‌های این جمع در خصوص ملاک‌های اختصاصی و عمومی برای ارزیابی و داوری کتاب‌های این گروه است.

نظری و مسائل، بعد از آن کتاب جلد ۱ را نوشتیم که دقیقاً مطابق سرفصل‌های کتاب‌های کار و دانش بود. بعد هم کتاب ۲ و ۳ را نوشتیم. سرانجام برای این چهار کتاب، یک بانک و مجموعه تدارک دیدیم که همین کتاب پنجم است. یعنی این کتاب سابقه و پیشینه‌ای دارد و این گونه نیست که همان ابتدا آن را نوشته باشیم. حالا موضوع این است که اگر دقت شود، در کتاب پنجم هم برای هر سؤال، فقط درست بودن گزینه‌های مشخص شده مورد نظر نبوده است تا کتاب، نوعی کتاب تست تلقی شود. با کمی دقت متوجه می‌شوید که من هر سؤال را درس داده‌ام. مهم‌تر اینکه شش یا هفت فصل از این کتاب مطابق با سرفصل‌های فنی و کار دانش است. به مفاهیم درس‌ها هم توجه شده است. شما حسابداری صنعتی و سود و زیان دارید. این مفاهیم در این کتاب هم هست. ضمناً تست‌های مطرح‌شده مطابق همان مطالبی هستند که در کتاب‌های فنی و حرفه‌ای مورد توجه قرار گرفته‌اند. هرچند من بحث‌های دیگری هم در این کتاب مطرح کرده‌ام که به صنعت ۱، ۲ و ۳ مربوط می‌شوند، ولی باز هم این کتاب برای مخاطب قابل استفاده است.

عبادی: بله، حرفی نیست. اما قبول کنید که کتاب برای

میردشتی: کتابی که درباره آن صحبت می‌کنیم، کتاب پنجم من است. من ابتدا چهار کتاب در این خصوص نوشتیم. نخست کتابی درباره مبانی نظری، سپس کتابی درباره مبانی



دانش آموز عادی سنگین است. شما باید آن را سبک تر کنید تا کتاب ۶ شما برای مخاطب مناسب شود. این کتاب در حال حاضر تنها برای دانش آموزان نخبه و بسیار باهوش مناسب است. مگر ما چند دانش آموز نخبه و سرآمد داریم که بخواهیم چنین کتابی برایشان منتشر کنیم؟!

میردشتی: ادعای من این نیست که همه این کتاب برای هنرجو مناسب است. نه، فقط بخشی از این کتاب مناسب هنرآموز است. اما مناسب است و می تواند مورد استفاده قرار گیرد. شما هم در برگه توضیحات کتاب ابتدا نوشته اید که کتاب برای هنرآموز مناسب نیست و دوباره در پایین همان برگه نوشته اید که هنرآموز می تواند از کتاب استفاده کند!

عبادی: بله، این موضوع نوشته شده است، اما منظور هنرآموزی است که می خواهد ادامه تحصیل بدهد. معنای این حرف آن است که این کتاب بیشتر برای سطوح دانشگاهی مناسب است تا مدارس فنی و حرفه ای.



میردشتی: وقتی صحبت دانش افزایی مطرح می شود، چرا دانش آموز نباید منابعی برای دانش افزایی در اختیار داشته باشد؟ قصد ما هم ارائه مطالبی برای دانش افزایی هنرآموز و کارآموز است. چرا نباید چنین کتابی مناسب تشخیص داده شود و در اختیار دانش آموز قرار گیرد؟

عبادی: مخاطب برای اینکه از وقت و زمان خودش استفاده بیشتری ببرد به جای کتاب شما باید سراغ کتاب مرجع برود. این کتاب پاسخ گوی نیازهای اصلی مخاطب نیست و مطالبی فراتر دارد که کتاب را از مرجعیت واقعی می اندازد.

میردشتی: اتفاقاً کتاب من به عنوان یک بانک و مجموعه، کتاب مرجع است. من این کتاب را کتاب مرجع می بینم.

معمدرداد: اجازه بدهید من به چند نکته که می تواند به روشن شدن موضوع کمک کند، اشاره کنم. من می گویم این کتاب برای خانواده هم مناسب است، اما کاربرد خاص خود را دارد. یعنی اگر معلم و خانواده بخواهند با تست و شیوه های



تست زنی آشنا شوند خوب است، اما انتقال مفاهیم این کتاب به دانش آموز مشکلی را حل نمی کند و برای او مناسب نیست.

اگر صحبت از خوب بودن، به معنای اعم باشد، بله! هر کتاب دیگری هم برای خواندن و یادگیری برخی مفاهیم خوب است، اما هر کتابی نمی تواند مفاهیم آموزشی و تربیتی مدنظر ما و به خصوص مفاهیم همراه با برنامه درسی و کتاب درسی را به دانش آموز منتقل کند. اتفاقاً همین موضوع محل اختلاف ما با برخی دوستان، ناشران

و مؤلفان کتاب های آموزشی است. ما می گوئیم یکی از ملاک های مهم برای تشخیص مناسب یا نامناسب بودن هر کتابی، هم خوانی و همراهی آن با برنامه درسی و توجه به استانداردها و ملاک های مطرح در نوشتن برنامه درسی و آموزشی است. ناشران محترم باید به این امر مهم توجه داشته باشند.

میردشتی: بله، از این نگاه من اشکالات وارده را می پذیرم و ما باید در کتاب هایی با هدف آموزشی که برای هنرجویان و هنرآموزان نوشته می شوند، به این نکات توجه داشته باشیم.

معمدرداد: ما وظیفه خودمان را فراتر از وظایف وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی می دانیم. این گونه نیست که کتابی را که دریافت می کنیم، رد یا قبول کنیم. بلکه ملاک هایی وجود دارند که همه اجزای کتاب را مورد توجه و بررسی قرار می دهند و براساس فرم های خاص این کار، قضاوت نهایی صورت می گیرد. نتیجه هم به ناشر یا مؤلف اعلام می شود. نقش ما و شأن این کار، موضوع تألیف است و سعی می کنیم همه ملاک های مورد نظر در خصوص کتاب های آموزشی را مد نظر قرار دهیم تا هیچ اثر مناسب و استاندارد از رقابت و معرفی به عنوان کتاب مناسب باز نماند.

البته یک نکته دیگر هم ویژگی های عمومی

کتاب هاست که شاید حدود ۴۰ درصد امتیازات کتاب را به خود اختصاص می دهد. ما اعتقاد داریم کتاب تنها یک محتوا و متن بدون برنامه و آرایش و ترکیب بندی نیست و عوامل گوناگونی وجود دارند که کتاب را با هر سند مکتوب دیگری متفاوت می کنند. از آنجا که همین عوامل و ویژگی های عمومی باعث می شوند تعدادی از آثار نسبتاً مناسب در میان کتاب های رسیده به دبیرخانه سامان دهی منابع آموزشی و تربیتی از رقابت باز بمانند، من از سرکار خانم دکتر **عطاران** تقاضا می کنم در این خصوص مقداری بیشتر توضیح دهند. نوع فونت، تصویرسازی، صفحه آرای، گرافیک، طرح جلد و امور دیگر از این دست تا چه حد در ارزیابی عمومی کتاب ها مؤثرند؟

عطاران: شکی نیست که همه این عوامل در کنار هم یک کتاب خوب را می سازند. تصویرهای خوب و واضح، استفاده خوب از رنگ و جذابیت های بصری، زیرنویس تصویرها در صورت لزوم، رعایت اصول ویراستاری، استفاده از فونت های مناسب و قوی، دقت در صفحه آرای، جلد مناسب و جذاب، و اموری از این دست می توانند به ارائه یک اثر خوب بینجامند. اتفاقاً این روزها با توجه به تکنیک ها و ابزارهای نوین



میردشتی:

در موضوع کتاب های آموزشی، مؤلف از ناشر مهم تر است. آموزش و پرورش ضمن یک فراخوان همه ناشران کتاب های آموزشی را گرد آورد و همه توقعات و انتظارات خود را برای آنان بازگو کند، تا آثاری تولید شوند که برای دانش آموزان مناسب باشند

صفحه‌آرایی و گرافیک، این عوامل خودشان حوزه‌ای جدید از رقابت را گشوده‌اند و ناشرانی که توجه بیشتری به این امور داشته باشند، موفق‌تر خواهند بود.

مقصود این است که ما در سهمی که برای ویژگی‌های عمومی کتاب‌ها در نظر گرفته شده، از این سهم که در جذابیت و تأثیر کتاب اثر دارد، کم نگذاریم. کم‌اینکه هر محتوای خوب ممکن است در ارائه با فونتی نامتناسب با مخاطب، به اثری نخواندنی و کسالت‌آور تبدیل شود. حتی حالا هم که از کتاب‌های فنی و حرفه‌ای و کار دانش و در رشته‌ای مانند «حسابداری - معماری و نقشه‌کشی» صحبت می‌کنیم، باز هم امور مربوط به صفحه‌آرایی و پرداخت هنرمندانه کتاب جایگاه ویژه خود را دارند. اگر ناشر بتواند با استفاده از ظرفیت‌های هنری و زیبایی‌شناسانه خود اثری فاخر و مناسب تولید کند، حتماً مخاطب اقبال بیشتری نسبت به اثر او خواهد داشت.

قطعاً تصویری مناسب از یک اثر معماری، به‌خصوص اگر با کیفیت و وضوح مناسب ارائه شده باشد، برای دانش‌آموز بسیار جذاب و قابل استفاده خواهد بود و کمک خواهد کرد که با متن کتاب نیز ارتباط بیشتر و بهتری برقرار کند. همه این عوامل در کنار هم باعث اثربخشی کتاب خواهند شد.

مسئله ارتباط متن و تصاویر و دیگر اجزای کتاب مسئله‌ای است که باید به دقت مورد توجه قرار گیرد. زیرا این همگونی و هم‌راستایی است که یک کتاب را در جایگاه کتاب مناسب آموزشی و وسیله‌ای برای درک

بهتر کتاب درسی قرار می‌دهد.

عطاران: سازمان‌دهی محتوای کلی کتاب یک نکته اساسی است که در ملاک‌ها و ویژگی‌های کتاب‌ها و در دستورالعمل‌های موجود هم بدان اشاره شده است. همان‌طور که گفته شد، کتاب مجموعه‌ای از اجزای هم‌سو با یک هدف است که بر اثر یک سازمان‌دهی واحد و مدیریت شده حاصل می‌شود. ویراستار، گرافیسیت، صفحه‌آرا، نویسنده و تصویرگر هر کدام بخشی از کار را انجام می‌دهند که در نهایت، سازمان‌دهی محتوا می‌تواند این بخش‌های گوناگون را در قالب یک اثر نهایی و با هدف مشخص هویت بخشد.

در آنجا که جلد، تصویر و عنوان با متن هم‌خوانی و ارتباط ندارد، اشکال از همین جاست که کلیت این محتوا سازمان‌دهی نشده است. بنابراین، سازمان‌دهی محتوا که مسئولیت آن با ناشر یا مؤلف است، امر مهمی است و توجه به آن می‌تواند به تولید یک کتاب خوب و مناسب منجر شود. این سازمان یکپارچه حتماً در ارزیابی آثار رسیده،

مدنظر ما هست.

عبادی: اجازه بدهید من هم نکته‌ای را به صحبت‌های همکاران اضافه کنم. ما در برخی رشته‌ها و درس‌ها ظرفیت و جای زیادی برای تصویر نداریم. برای مثال، در رشته‌های مدیریت و حسابداری، جای چندانی برای استفاده از تصویر وجود ندارد. در چنین حالتی، این هنر ناشر و مؤلف است که با استفاده از هنرهای دیگر، از جمله نمودار، جدول و تصویرسازی‌های مرتبط، فضای کتاب و نوشته را جذاب و متنوع کند. اتفاقاً این متون که حالتی تکراری و یکدست دارند، نیاز بیشتری به استفاده هنرمندانه و خلاقانه از هنر دارند. استفاده خلاقانه از هنر می‌تواند این متن‌ها را خواندنی‌تر و جذاب‌تر کند. اتفاقاً ما هم در ارزیابی‌ها به چنین خلاقیت‌ها و اقداماتی توجه می‌کنیم و می‌کوشیم امتیازات در نظر گرفته شده را به این آثار بدهیم.

موضوع دیگری هم که می‌خواهم بدان اشاره کنم، این است که در تدوین کتاب باید توجه کنیم، فصل‌های کتاب به‌طور منطقی پشت سر هم قرار گرفته باشند. علاوه بر این، ما بزرگ‌سالان گاهی خودمان را جای مخاطب می‌گذاریم و کتاب را بنا به سلیقه و انتخاب خودمان به گونه‌ای می‌نویسیم که مخاطب در خواندن و ارتباط‌دادن بخش‌های گوناگون کتاب با یکدیگر دچار مشکل می‌شود. ما به‌عنوان خواننده بالغ می‌توانیم این موضوع را درک کنیم که یک یا دو فصل کتاب جابه‌جا شده‌اند و با قدرت تشخیصی که داریم، آن‌ها را در جای خودشان قرار دهیم، اما دانش‌آموز این تجربه و قدرت تشخیص را ندارد. در چنین وضعیتی دچار سردرگمی می‌شود و چه‌بسا چنین کتابی را کنار بگذارد و نخواند.

معتدراذ: خوب است در پایان این میزگرد، شنونده حرف‌های آقای میردشتی باشیم. کتاب‌های نشر ایشان معمولاً در بخش امتیازات عمومی از امتیازات خوبی برخوردار هستند و چون خودشان هم دستی در حوزه و وادی هنر دارند، به این ویژگی‌ها به خوبی توجه شده است. سؤال من این است که قضاوت‌های انجام شده در دبیرخانه طرح سامان‌دهی از نگاه یک ناشر تا چه حد پذیرفته شده است؟

میردشتی: ۹۰ درصد حرف‌های امروز ما حول و حوش کار ناشران بود. اما من اعتقاد دارم که در این بخش (محتوای عمومی و سازمان‌دهی کتاب) ناشر کمترین نقش را دارد. پیشنهاد می‌کنم که آموزش و پرورش، ضمن یک فراخوان، همه ناشران کتاب‌های آموزشی را گرد آورد و همه توقعات و انتظاراتی را که تا به حال عنوان شده است و شما هم در همین بحث‌های امروز بدان اشاره کردید، برای آنان بازگو کند. آن‌گاه، با آگاهی و شناخت مؤلفان، ویراستاران، تصویرگران، گرافیسیت‌ها و دیگر کسانی که در تولید و خلق اثر نقش دارند، کتابی که از نگاه شما مناسب و مفید است، تولید خواهد شد.

عطاران:

کتاب مجموعه‌ای منسجم است و همه عوامل و اجزای آن در کنار هم یک کتاب خوب را می‌سازند. تصویرهای خوب و واضح، استفاده خوب از رنگ و جذابیت‌های بصری، زیرنویس تصویرها در صورت لزوم، رعایت اصول ویراستاری، استفاده از فونت‌های مناسب و قوی، دقت در صفحه‌آرایی، جلد مناسب و جذاب، و اموری از این دست می‌توانند به ارائه یک اثر خوب بینجامند



طراح: سعید رزاقی